

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مطهری «مد ظله العالی»

به هجدهمین دوره همایش «حکمت مطهر»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»

به رغم گذشت چهل و چهار سال از شهادت اسفناک متفکر عالی مقام و اندیشمند بزرگ مرحوم آیه الله شهید مطهری «قدس سره الشریف»، هم ثلمه و خلأ فقدان آن استاد اسلام شناس برجسته، هنوز در جامعه اسلامی محسوس و ملموس است که: «تِلْمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ»؛ و هم به فضل خداوند متعال، آثار بنان و بیان آن دانشمند پرتلاش، همچنان مورد استفاده فرهیختگان و حق جویان است که: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا».

همایش با سابقه «حکمت مطهر» که با هدف زنده نگاه داشتن یاد و نام و آثار علمی این شهید والامقام برگزار می شود، و از این جهت باید به اهتمام نیکوی متصدیان و دست اندرکاران آن آفرین گفت، اینک و در هجدهمین دوره خود، موضوع بسیار با اهمیّت «جوانان» را مطرح نظر قرار داده است، موضوعی که یکی از مهم ترین و بلکه باید گفت اساسی ترین نقطه هدف گذاری مرحوم شهید مطهری «رضوان الله تعالی علیه» در عموم تلاش های علمی و فکری ایشان بوده است.

آن متفکر زمان شناس، به حق، یکی از موفق ترین اندیشمندان و مصلحان اسلامی بود که با روحيات و نیازهای فکری نسل جوان در زمانه خود، آشنایی کامل داشت و علاوه بر این زبان آن نسل تکامل خواه و جستجوگر را به خوبی می دانست و با گوش جان، پیامها و خواسته های به جای این نسل را می شنید و متناسب با آن نیازهای فکری و نظری، به موقع و بدون فوت وقت، به وسیله آثار

ارزشمند خود با جوانان، ارتباط مؤثر و تعامل سازنده برقرار می‌نمود. آن استاد فهیم و نکته‌پرداز به نیکی دریافته بود که اگر اذهان و ضمائر جوانان حق‌طلب، با حقایق، سیراب نگردد، با مطالب ناحق پر خواهد شد، و از این‌رو تمام سعی مشکور خود را بر این نقطهٔ اساسی متمرکز کرده بود که نسل جوان آن دوره را که از سویی با هجوم افکار مادی و الحادی مواجه بودند و از سوی دیگر تحت سیطرهٔ فرهنگ غرب‌گرایی رژیم طاغوت قرار داشتند، به روش‌های متین علمی و فکری، با حقایق اسلام و معارف انسان‌ساز قرآن و عترت آشنا سازد و چه بسیار جوانان و محافل جوان که به دست قدرتمند دانش و بینش این استاد متفکر، در سرتاسر ایران و خارج از مرزهای این کشور، از خطر الحاد مارکسیستی و انحطاط لیبرالیستی و التقاط دینی گروهک‌های پر سر و صدای آن دوران، نجات پیدا کرده و با آشنایی با حقایق نورانی قرآن کریم و عترت طاهره «سلام‌الله‌علیهم»، به رشد فکری و دینی دست یافته و به حیات طیبه نائل گشتند و سپس در مهم‌ترین مقاطع دوران معاصر یعنی در نهضت و انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس در تأسیس نظام جمهوری اسلامی و پس از آن در بزنگاه‌های خطیر این نظام، نظیر دفاع مقدس و نظایر آن و همچنین در عرصهٔ حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها و متن جامعهٔ اسلامی و محافل جوانان، نقش برجسته و سازندهٔ نظری و عملی ایفاء کردند و اثرات گسترده و عمیق مجاهدت‌های فکری آن استاد فکور را در مقام عمل و نظر به منصفهٔ ظهور درآوردند و هنوز نیز آن برکات بزرگ، بحمدالله و المنه استمرار دارد و بی‌جهت نبود که امام بزرگوار «اعلی‌الله‌مقامه» توصیه فرمودند: «کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود».

رحمت بیکران و رضوان بی‌پایان حق‌تعالی بر روح آن استاد شهید متفکر باد که بی‌تردید، حق بزرگی بر نسل جوان این کشور در آن دوره و دوره‌های پس از آن تا به امروز دارد و بی‌سبب نبود که استادان عظیم‌الشأن او یعنی امام راحل بزرگوار و حضرت علامه طباطبایی «قدس‌الله‌تعالی‌سرهما» در شهادت و فقدان اسفناک او، همچون پدر فرزند از دست داده، گریستند و ملت فهیم ایران نیز در غم مصیبت او یکپارچه عزدار شد: «وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا».

در این فرصت کوتاه و به مناسبت طرح مسأله مهم «جوانان» لازم می‌دانم بر دو نکته اساسی، در این محفل فکری و فرهنگی تأکید نمایم:

نکته اول اینکه: همان‌گونه که مرحوم شهید مطهری «طاب‌ثراه» به خوبی دریافته بود، برخورد و مخاطبه با نسل جوان، بسیار خطیر و حساس است و باید براساس منطق و استدلال و واقع‌بینی در همه ابعاد مسائل نظری و مشکلات عملی جوانان، تنظیم و ساماندهی شود، زیرا اگر به سؤالات نظری و پرسش‌های نسل جوان که چه بسا، بسیار اندیشه‌سوز و ذهن‌آزار نیز باشد، و همچنین به احساسات و عواطف این نسل پرتکاپو و نیز به خواسته‌های به حق و به جای آنان، پاسخ منطقی و صحیح داده نشود، قطعاً موجب سرخوردگی و ناامیدی و بی‌اعتمادی و در نهایت طغیان‌گری این نسل مطالبه‌گر خواهد شد و زیان آن برای جامعه انسانی، بسیار وسیع و عمیق خواهد بود.

روش مخاطبه و مواجهه با جوانان، روش دهن‌کجی و انتقاد و سرزنش و رمی به بی‌عقلی و بی‌دینی نیست، و با چنین روشی محال است که بتوانیم جلوی انحرافات دینی و کج‌روی‌های اخلاقی را در نسل جوان بگیریم. اگر خواهان هدایت و رشد نسل جوان هستیم، تنها راه متین و صحیح آن این است که: اولاً باید از نزدیک با درد و رنج جوانان آشنا شد و ثانیاً با زبان منطق و عطف و مهربانی با آنان، تعامل سازنده برقرار کرد، چنانکه در آن بیان بلند رییس مذهب جعفری، حضرت امام صادق «سلام‌الله‌علیه»، که این روزها در آستانه سالروز شهادت آن امام به حق ناطق، قرار داریم، آمده است که به بعضی از اصحاب خود که درباره مخالفان عقیدتی در آن روزگار از آن امام همام پرسیده بود، فرمودند: «فَلَا تَخْرَقُوا بِهِمْ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَ أَنَّ إِمَارَتَنَا بِالرَّفْقِ وَ التَّأْلِيفِ وَ الْوَقَارِ وَ التَّقِيَّةِ وَ حُسْنِ الْخُلُطَةِ وَ الْوَرَعِ وَ الْإِجْتِهَادِ فَرَعَبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَ فِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ»: با آنان خشونت نورزید، مگر نمی‌دانید که فرمان‌روایی و خلافت بنی‌امیه، مبتنی بر زور شمشیر و فشار و ستم بود، ولی حکمرانی و ولایت ما مبتنی بر ملایمت و دوستی و متانت و تقیه و رفتار نیکو و پارسایی و کوشش فراوان است، پس کاری کنید که مردم به دین شما و مسلکی که دارید رغبت و گرایش پیدا کنند.

قرآن کریم با اینکه دین و معارف تابناک آن را «حق و مطابق با حقیقت» معرفی می‌کند و آن را «حنیف و منطبق بر فطرت» برمی‌شمارد و «قیم و پایدار و به دور از هرگونه سستی» قلمداد می‌کند، ولی با همه این اوصاف، به پیامبر رحمت و محبت و دانایی، که سراسر وجودش، سرشار از عطوفت و مهربانی و نرم‌خویی با مردمان بود و برخلاف پاره‌ای از تفکرات اعوجاجی، ذره‌ای تلخی و تندی و خشونت در آن راه نداشت، به طور مکرر تصریح می‌فرماید که در ارائه دین و تعالیم دینی نباید تحمیل و اکراه و اجبار وجود داشته باشد: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ، لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَيْدٍ» و آیات بیّنات متعدد دیگر.

و اما نکته دوم که آن نیز برخوردار از اهمیت جدی است این است که: خواسته‌های به حق نسل جوان برای برخورداری از یک زندگی سرافراز و آبرومند، باید در رأس توجه مسئولان و کارگزاران کشور قرار گیرد و همگان باید به این آسیب اساسی، توجه کنیم که اگر این مطالبات و انتظارات، به درستی پاسخ داده نشود و جوانان ما با معضلات بزرگی نظیر فشار بیکاری و افسانه مسکن و بحران افزایش سن ازدواج و فقر و تبعیض و فساد و اعتیاد و سایر آسیب‌های شکننده اجتماعی مواجه بوده و خود را در مقابله با این مشکلات خانمان سوز، بی‌پناه ببینند، قطعاً ما با بحران سرمایه اجتماعی بزرگی مواجه خواهیم شد که کمترین نتیجه خسارت‌بار آن کاهش مشارکت‌های ملی و اجتماعی است.

تعالیم دینی و نیز تجربه تاریخ بشری به خوبی نشان می‌دهد که مردمی که با غول فقر، دست و پنجه نرم کنند، در جهات فرهنگی و دینی هم، قوت و قدرت خود را از دست می‌دهند، چرا که به مصداق آن سخن والای تکان‌دهنده که ائمه هدی «سلام‌الله‌علیهم» از رسول خدا «صلی‌الله‌علیه و آله و سلم» نقل کرده‌اند که: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»، فقر، هم‌مرز با بی‌ایمانی است. پیامبر اکرم که به تعبیر خداوند متعال، تمام وجود مبارکش آکنده از نهایت دلسوزی برای ایمان مردمان بود، ولی به خوبی دریافته بود که تنگنای نان و گردباد اقتصاد ناسالم و معضلات طاقت‌فرسای معیشتی، چگونه دین و ایمان آدمی را در می‌نوردد و از این‌رو با تضرع به پیشگاه خداوند مهربان عرضه می‌داشت: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدِينَا

فَرَأَيْضَ رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ!

این بیان هشداردهنده رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» باید نصب‌العین و در منظر دید هر روزه مسؤلان کشور و همه دلسوزان این مرز و بوم و همه دغدغه‌مندان برای نسل جوان باشد و با نهایت جدیت و صداقت، تمام مساعی خود را در رفع معضلات اقتصادی مردم و خصوصاً مشکلات پیش روی جوانان به کار گیرند تا به امید خداوند تعالی همگان به ویژه نسل جوان در این کشور اسلامی، برخوردار از یک زندگی آبرومند و سرفراز باشند و خدای ناخواسته، تعلق و پیوند آنان با دین و معارف دینی، و نیز علاقه و دلبستگی آنان به کشور و وطن، پایمال ناتوانی‌ها و ضعف‌ها و خطاها و بی‌عملی‌های ما نشود، که در این صورت هم شاهد هجرت و قهر آنان از دین و هم نظاره‌گر مهاجرت و ترک آنان از وطن خواهیم بود؛ و این مسلماً شایسته نظام اسلامی نیست.

هر دو نکته‌ای که به اجمال بیان شد، چه نکته اول که مربوط به ساحت اندیشه و فکر و نظر بود، و چه نکته دوم که مربوط به عرصه اجرا و عمل می‌شود، مطمح نظر همه متفکران دینی و مصلحان اجتماعی از جمله مرحوم آیه‌الله شهید مطهری «اعلی‌الله‌مقامه» بوده و امید است همه اندیشه‌ورزان و نیز همه مجریان و سیاست‌مداران، بدان توجه بیش از پیش نمایند. ان‌شاءالله.

از خداوند تعالی علو درجات استاد شهید مطهری «قدس سره» و نیز صلاح و سداد نسل جوان و سرفرازی و تأیید ملت ایران را مسألت می‌نمایم. انه ولی الهدایة و التوفیق.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.

حسین المظاهری

۹ / اردیبهشت / ۱۴۰۳

۱۹ / شوال / ۱۴۴۵